



پریسا محمودی، مربی کودکان افتخارآفرین محله در مسابقات کشوری چرتکه است

کاشف استعداد کودکان قرقی



تضمین نتایج باورنکردنی

شوق یادگرفتن را در
چهره‌های تک‌تکشان
می‌شود دید؛ مثلاً در
برق چشم‌های «رادین»
دلخواه، که شش ساله
است و از یک سال پیش،
یادگرفتن چرتکه را شروع
کرده است. او با اعتماد به نفس
صحبت می‌کند و برایمان از آسمان
آبی‌رؤیاهای کودکان‌اش می‌گوید:
اینکه دلش می‌خواهد به بچه‌های
دیگر هم چرتکه یاد بدهد تا مثل او احساس
سربلندی کنند.

کمی مکث می‌کند و عقربه زمان را جلو می‌برد؛ به
وقتی که درس‌هایش را خوب خوب خوانده، دندان پزشکی
شده است و با روپوش سفید دارد به بقیه کمک می‌کند که
دندان‌هایشان درد نداشته باشد.

نه در حرف‌های او ردپایی از نداشتن و نتوانستن را می‌شود
دید و نه در صحبت‌های شست‌رفته «محمد یاسین»
ابراهیمی. نه ساله است و دوسالی می‌شود که رفت و آمدش
به منزل محمودی برای یادگرفتن چرتکه شروع شده است.
سخت است برایش گفتن از شوقی که در لحظه اعلام نتایج
مسابقات کشوری چرتکه، به قلب کوچکش سرازیر شده
است؛ همان لحظه‌ای که اسم محمد یاسین را به عنوان نفر
اول مسابقات اعلام کردند.

او به مدد این موفقیت، لبریز از حس «می‌توانم» است و
با همین حس و حال گران بها، می‌گوید که حتماً مهندس
کامپیوتر خواهد شد.

برای محمودی، آموزش دادن به امثال رادین، محمد یاسین،
علی، ابوالفضل و... لذت بخش‌ترین کار دنیاست. هرچند که
به خاطر نداشتن چند متر فضای اختصاصی، ناچار است از
فضای منزلش برای این کار استفاده کند؛ «سه تاپچه دارم.
سخت است آرام نگه داشتن آن‌ها هنگام تدریس. دوست
دارند تلویزیون ببینند و در خانه آزاد باشند».

او که بارها از حق‌التدریس خود به نفع کودکان کم‌بضاعت
محله گذشته است، می‌گوید: کاش فرد خیراندیش یا مسئولی
پیدا می‌شد که استعداد این بچه‌ها را ببیند و کمک کند.
من با شگفتی‌هایی که در هوش بچه‌های محله می‌بینم،
رسیدن به نتایج باورنکردنی را تضمین می‌کنم.

شاگرد می‌گرفتم؟ نگاه کردم دیدم سه کودک دارند در کوچه بازی
می‌کنند. دست پسر را گرفتم و بردم پیششان. از پسر که چرتکه
بلد بود، چند سؤال محاسبات ریاضی پرسیدم و او هم فوری جواب
داد. بچه‌ها خوششان آمد. به آن‌ها گفتم چرتکه یعنی همین.
اگر دوست داشته باشید، می‌توانید از مادرهایتان اجازه بگیرید و
بیایید خانه ما. تا به شما هم یاد بدهم.

وصف کلاس‌های او با رضایت‌مندی بچه‌ها و والدینشان، خیلی
زود سر زبان‌ها افتاد؛ به ویژه وقتی که پای مسابقات به میان
آمد و اهالی می‌دیدند گروه‌هایی که محمودی، مربیگری آن را
برعهده دارد، بدون تردید، صاحب رتبه می‌شود. هیچ‌کدام از این
موفقیت‌ها و تجربه‌های کاری رو به افزایش، باعث نشده است که
شهروند محله قرقی، از خدمتی که به عنوان هدف، برای خود تعریف
کرده است، عقب بنشیند و انگیزه‌های مادی را جایگزین آن کند.

کاش فرد خیراندیش یا
مسئولی پیدا می‌شد که استعداد
این بچه‌ها را ببیند و کمک کند.
من با شگفتی‌هایی که در هوش
بچه‌های محله می‌بینم، رسیدن
به نتایج باورنکردنی را تضمین
می‌کنم

فرزانه شهامت از ندگی کاری برای پریسا محمودی.

آموزگار دبستان پسرانه مسرور در محله قرقی، دو
رو دارد. روی تیره آن، کمبودهایی است که گریبان
محله و فرزندانش را گرفته است؛ مثلاً کودکانی که با
وجود برخورداری از توانایی‌های لازم برای شرکت در
رقابت‌های مختلف، توان پرداخت ورودی مسابقات را
ندارند، بنابراین از حضور در رویدادها و کسب مدال‌های
رنگارنگ، باز می‌مانند. روی روشن ماجرا برای او، دیدن
هوش سرشار بچه‌هایی است که از دل محرومیت‌ها
سر بر می‌آورند و با گذر از موانع، خودی نشان می‌دهند.
این بانوی سی و دو ساله، به امید کشف گنج استعدادهای
ناب و دیدن موفقیت کودکان محله، سال‌هاست که
توانمندی‌اش در آموزگاری و آموزش چرتکه را در اختیار
امیدهای فردای قرقی گذاشته است. کسب رتبه اول تا
سوم دانش‌آموزانش در مسابقات کشوری چرتکه که
کمتر از یک ماه پیش به میزبانی مشهد برگزار شد، یکی
از دستاوردهایی است که در هفت سال فعالیتش، برای
چندمین بار تکرار شده و او را به ادامه راهی که آغاز
کرده است، ترغیب می‌کند.

فراتر از ریاضیات

تا همین چند سال پیش، صرفاً مادری دیپلمه و خانه‌دار
بود؛ از آن دست بانوانی که دغدغه اشتغال ندارند و
به تحصیلات عالیه هم فکر نمی‌کنند. روزی که فرزند
چهار ساله‌اش را در کلاس چرتکه ثبت نام کرد، فکرش را
هم نمی‌کرد که دنیای شیرین محاسبات ذهنی، خودش
را بیش از فرزندش، جذب و علاقه‌مند کند؛ از هفت سال
پیش تصمیم گرفت به دنیای چرتکه ورود کند و آن را اصولی
و حرفه‌ای یاد بگیرد. باید آموزش می‌دیدم. دوره‌ها را با
علاقه گذراندم، مدرک مربیگری را گرفتم و تدریس را شروع
کردم. برای من، چرتکه فقط چرتکه نبود و باعث شد حس
کنم به دانستن بیشتر، احتیاج دارم. من به ادامه تحصیل
علاقه‌مند شده بودم. با تمام مشغله‌های مادری، عزمم را
جزم کردم، دانشگاه رفتم و در رشته علوم تربیتی، درس‌م را
تامقطع لیسانس ادامه دادم.

او به پشتوانه همین تجربه‌های شخصی، با اطمینان
می‌گوید: تصور عامه مردم درباره چرتکه کامل نیست؛
اینکه چرتکه را در یادگرفتن محاسبات ریاضی خلاصه
می‌کنند. یادگرفتن این مهارت، اعتماد به نفس می‌دهد به
دانش‌آموز و هر کسی که آن را آموخته باشد. تمرکز را افزایش
می‌دهد و آدم‌های دقیق‌تر و نکته‌سنج‌تری می‌سازد. از من
می‌شنوید، چرتکه فراتر از ریاضیات است و در زمینه‌هایی
که فکرش را هم نمی‌کنید، تأثیر مثبت می‌گذارد؛ مثل
زیاد کردن سرعت تست زدن و شانس موفقیت در کنکور.

آغاز کار با ۳ شاگرد

خانه‌اش در نبود فضای آموزشی مستقل، به ناچار شده است
محل رفت و آمد گروه‌های ده تا بیست نفره کودکان محله
که مشتاق یادگرفتن چرتکه‌اند. به پیشنهادهای کاری‌اش
از معتبرترین مؤسسات آموزشی در نقاط برخوردار مشهد
نیز جواب منفی داده است. چند سال پیش که این بانوی
پرتلاش تصمیم گرفت عشق و توانایی خود در تدریس
چرتکه را به فرزندانش حاشیه شهر هدیه بدهد، صرفاً یک
مربی گمنام و تازه‌کار بود.

او با یل‌بخند از نخستین تجربه کاری و شاگردانش این‌طور
برایمان می‌گوید: فقط می‌خواستم یاد بدهم. بدون اینکه
به شهریه و درآمد و این‌طور چیزها فکر کنم. از کجا باید

